

## شوراهای سازماندهی اعتراضات

گفتگو با اصغر کریمی

صفحه ۳

## ما و بحران آب

علی جوادی

صفحه ۵

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

## در باره تجمع در قلعه بابک و دستگیریها

گفتگو با محسن ابراهیمی

صفحه ۷

## جمهوری اسلامی در مقابل زنان ایران يك حکومت كمرشكسته است

شیرین شمس

صفحه ۹

## نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم!

سخنرانی محمد کاظمی در تظاهرات مقابل کتابخانه فرویو

صفحه ۱۰

## کشف منصور حکمت

کن مک لاد

صفحه ۱۱

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۷۲

جمعه ۲۲ تیر ۱۳۹۷، ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۸

## اعلام کمپین

### سنگهای سکندری در ایران

مینا احدی

صفحه ۲



## مردم برازجان با شعارهای ضد حکومتی دست به تظاهرات زدند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

## حکومت اسلامی مسئول است!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

درمورد فاجعه تصادف اتوبوس مسافربری در سنندج!

صفحه ۲

تمام آمرین و عاملین  
جنایات جمهوری اسلامی  
در چند دهه گذشته  
باید دستگیر و علنا  
محاکمه شوند!

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



## اعلام کمپین سنگهای سکندری در ایران

مینا احدی

کنید، با ذکر اسامی و تاریخ دستگیری و اعدام و این فیلم را برای ما بفرستید و یا خودتان آنرا علنی کنید. از این طریق اولاً ما اسامی را خواهیم داشت و در صحبت با هنرمند میتکر این ایده خواهیم کوشید از تجارب آنها استفاده کرده و به محض سرنگونی حکومت اسلامی آنها را در سراسر ایران نصب خواهیم کرد. با پیوستن به این کمپین میتوانید ببینید که در محله شما چه کسانی اعدام شده اند، با خانواده این عزیزان میتوانید تماس بگیرید و جنبشی را برای گرامیداشت یاد این عزیزان در ایران دامن بزنید. این ادای احترام به انسانهای عزیزی است که در راه دفاع از حرمت و حقوق انسانی جان باخته اند. در عین حال ما از این طریق میخواهیم ابعاد فاجعه را در مقابل کل جامعه ایران و دنیا قرار دهیم.

۵ ژوئیه ۲۰۱۸

میکند که این اسامی جاودان شوند. ما میخواهیم در ایران بعد از جمهوری اسلامی ایران بر اساس همین الگو در مقابل منازل کسانی که به دست حکومت اسلامی ایران اعدام شده اند چنین سنگهایی را نصب کنیم. برای نشان دادن ابعاد هولوکاست اسلامی و همچنین ابعاد مقاومتی که مردم در مقابل این حکومت داشتند و بویژه در روزها و سالهای اول به قدرت رسیدن حکومت اسلامی که هزاران نفر در دهه شصت و در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ بدست این رژیم به قتل رسیدند. من با صحبتی که امروز با گونتر دمیینگ داشتیم، ایشان از این ایده استقبال کرد و بزودی در مورد چگونگی اجرای برخی اقدامات شما را مطلع خواهیم کرد. فراخوان من از هم اکنون به مادران، پدران و خواهران و همسران و فرزندان جانبختگان در ایران اینست که دست بکار شوید. در مقابل منزلی که این عزیزان در آنجا زندگی کرده اند، با یک تلفن دستی فیلم کوتاهی تهیه

این عکس يك سنگ سکندری است. سنگهایی که اکنون در ۲۱ کشور اروپایی در مقابل منازل نصب شده و در آلمان در ۱۲۶۵ کمون هزاران سنگ سکندری را میتوانیم ببینیم. سنگهایی که قرار است افراد با دیدن آنها سکندری خورده و بنشینند و ببینند در این محل که چنین سنگی نصب شده در يك تاریخ معین این فرد و یا این افراد زندگی میکردند و در تاریخ معینی دستگیر و سپس به قتل رسیده اند. این سنگها در مورد قربانیان نازیسم در آلمان هستند.

در آلمان هنرمندی به نام گونتر دمیینگ با نصب سنگهایی برنز که در آن اسم و تاریخ دستگیری و اعدام هزاران قربانی نازیسم حک شده، میخواهد به دنیا نشان دهد که ابعاد این فاجعه چقدر بوده و چه کسانی قربانیان فاشیسم هیتلری بوده اند و همچنین او میگوید "کسی فراموش میشود که نامش از خاطره ها برود" و این هنرمند با نصب سنگهای سکندری کمک کرده و کمک

## حکومت اسلامی مسئول است!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری درمورد فاجعه تصادف اتوبوس مسافربری در ترمینال شهر سنندج!

کردهستان میخواهد با برپایی مراسم های بزرگ در یاد جانبختگان، این فاجعه را به رژه خیابانی و تجمعات بزرگ علیه حکومت تبدیل کنند. نباید این جنایت بی پاسخ بماند. حکومت را باید شدیداً محکوم کرد. جاده های امن، انتقال تردد تانکرها و ماشین های سنگین به خارج از شهر و محل تردد مردم، پرداخت خسارت به خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند و مداوای فوری و با کیفیت بالای مجروحین این فاجعه، از جمله خواست های فوری مردم است که باید به دزدان حاکم تحمیل کنیم.

حکومت اسلامی در ارتباط با این فاجعه، ریاکارانه سه روز عزای عمومی اعلام کرده است. اما مردم خود حکومت را مسئول از دست دادن عزیزانشان میدانند و این واقعه را به خشم و اعتراض گسترده ترای سرنگونی حکومت تبدیل خواهند کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ تیر ۱۳۹۷، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۸

وعده مرمت، نوسازی و تعمیر جاده ها و تغییر مسیر ماشین های سنگین را داده اند. اما هیچ اقدامی انجام ندادند و کماکان جاده های نا امن جان مردم را میگیرد. ناامنی جاده ها منحصر به کردهستان نیست و در سراسر کشور به يك معضل مردم تبدیل شده و هر سال هزاران نفر جانشان را بدلیل بی توجهی دزدان حاکم از دست میدهند. این نظام فاسد مسئول این جنایت ها و کشتار هرروزه مردم در جاده ها است. يك هزارم پولی که صرف دزدی ها و صرف مسجد و آخوند و اما مزاده و یا نیروهای سرکوب و تروریست های اسلامی در منطقه میشود، صرف نیازهای اساسی مردم از آب و برق تا مرمت جاده ها نمیشود. مردم بدست جمهوری اسلامی را مسبب همه بلاهایی میبینند که بسرشان میاید. مسئول مستقیم حادثه دلخراش امروز در سنندج نیز حکومت کثیف اسلامی است و باید با اعتراض وسیع مردم در سنندج و در سراسر کشور تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری به خانواده های عزیزان جانباخته صمیمانه تسلیت میگوید و از مردم سنندج و کلیه مردم در

بامداد روز ۲۰ تیر ۱۳۹۷ اثر برخورد تانکر حمل قیر با اتوبوس مسافربری در خروجی ترمینال شهر سنندج متاسفانه بیش از ۲۰ نفر از مسافران اتوبوس جان خود را از دست دادند.

صدها نفر از مردم سنندج دقایقی بعد از وقوع حادثه به محل تصادف شتافتند و برای کمک رسانی به مصدومین دست بکار شدند. نیروهای امنیتی بجای راه انداختن کمک رسانی های ویژه، در مقابل حضور مردم دست به آرایش نظامی زده و با شلیک هوایی تلاش کردند مردم را پراکنده کنند اما مردم چندین بار با نیروهای امنیتی و نظامی حکومت درگیر شدند تا به کمک رسانی خود ادامه دهند.

اخیراً تانکرها و ماشین های سنگین از مرز ایران و عراق به شهرهای کردهستان تردد بیشتری پیدا کرده اند و با توجه به ناامنی جاده ها خطرات زیادی متوجه شهروندان شده است. مردم شهرهای مریوان و سنندج و بانه در سالهای ۹۵ و ۹۶ بارها علیه ناامنی جاده ها دست به اعتراض زده اند. حکومت اسلامی و باندهای دزد و جنایتکارش برای آرام کردن مردم

## شوراهای سازماندهی اعتراضات

### گفتگو با اصغر کریمی



همیشه مبرم تر است و هم زمینه و امکان آن بیشتر از همیشه فراهم شده است.

**خلیل کیوان:** با توازن قوای فعلی بین مردم و رژیم آیا امکان ایجاد این تشکل‌ها وجود دارد؟

**اصغر کریمی:** در پاسخ به سوال قبل بدرجه ای این را توضیح دادم. اگر پانزده سال قبل گاهی شاهد یک اعتراض توده ای بودیم یا تعداد اعتصابات کارگری کم بود، در سالهای اخیر شاهد هزاران اعتصاب و صدها اعتراض توده ای در عرض سال هستیم. این یعنی ابعاد مبارزات مردم و توان مردم در مقابل حکومت بسیار بیشتر شده است. بعد از دیماه مدام شاهد خیزش های شهری هستیم یعنی مردم با شعارهای سرنگونی و با روحیه ای مصمم وارد جنگ و گریز با اوباش حکومت میشوند و کوتاه هم نمیایند. مردم میدانند حکومت عامل مشکلات آنها است و در نتیجه هر اعتراضی علیه بی آبی یا گرانی و یا بهر علت دیگر بلافاصله به شعارهای مستقیم سرنگونی طلب منجر میشود. همبستگی میان مردم بیشتر شده و نسبت به اعتراضات یکدیگر حساسیت بیشتری نشان میدهند. اینها همه نشانه‌ها هستند این است که توان حکومت در مقابل مردم کمتر شده و مردم آماده تر و قوی تر شده اند. بنابراین امکان ایجاد این تشکل‌ها خیلی بیشتر از قبل فراهم شده است.

**خلیل کیوان:** چه کسانی قرار است این شوراهای را ایجاد کنند؟

**اصغر کریمی:** همان کسانی که در اعتراض شرکت دارند. کسانی که آمادگی بیشتر و تجربه بیشتری در سازماندهی دارند، آگاهی بیشتر و یا جسارت بیشتری دارند، یا نفوذ و محبوبیت بیشتری در میان مردم دارند جلو می‌افتند و بقیه را هم با خودشان همراه میکنند. جوان‌ها و

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه ای بتاريخ ۱۵ تیر فعالین کارگری و اجتماعی را به ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در محلات و شهرها فراخوان داده است. چرا حزب فراخوان ایجاد این تشکل‌ها را داده است؟

**اصغر کریمی:** مردم باید سازمان پیدا کنند. این یک اصل بديهی است. کارگران باید تشکل‌های خودشان را داشته باشند، دانشجویان و معلمان و بقیه مردم هم همینطور و در چند سال گذشته هم علیرغم ممنوعیت تشکل تلاش کرده اند به هر درجه که میتوانند متشکل شوند و قدم‌های مهمی به جلو برداشته اند. امروز خوشبختانه روحیه سازمانگری در میان مردم بالا رفته است. بنابراین بحث این نیست که چرا مردم باید سازمان پیدا کنند و سازمانیافته مبارزه کنند. مردم تشکلهای مختلفی لازم دارند. از حزب تا ان جی او در زمینه هی مختلف. در زمینه سازماندهی اعتراضات علیه حکومت، شوراهای سازماندهی شکل مناسب این کار هستند. اینها تشکل توده ای برای سازماندهی اعتراض مردم علیه حکومت اند. و همه مردمی که میخواهند حکومت را سرنگون کنند با هر عقیده ای میتوانند و باید تلاش کرد به شورایی پیوندند و عضو آن شوند و به فراخوان هایش جواب دهند. نکته واقعی این است که آیا مردمی که در این شهر و آن شهر دارند مرتبا اعتراض میکنند میتوانند چنین تشکلی ایجاد کنند که به اتحاد آنها کمک کند و مبارزانشان را دارای یک نقشه و برنامه روشنی بکند؟ بنظر ما جواب کاملاً مثبت است. الان تعداد اعتراضات زیاد است، اعتراضات ریتیم سریعی پیدا کرده و هر روز در شهری مردم بلند میشوند و علیه انواع و اقسام مشکلاتی که دارند اعتراض میکنند. از مقطع دیماه که مردم در صد شهر دست به اعتراض زدند اوضاع عوض شده است. بعد از آن شاهد اعتصاب و

شورای سازماندهی اعتراض در یک محل مال همه مردمی است که با هر عقیده و مرامی میخواهند این حکومت سرنگون شود. یک کار مهم شورا جلوگیری از شعارها و بحث‌ها و یا تاکتیک‌ها و اقدامات انحرافی است. مثلاً نباید اجازه دهیم اعتراضات رنگ و بوی مذهبی بخود و قومی بخود بگیرد و میان مردم شکاف ایجاد کند یا اگر مردم بدلیل نفرت از مقامات حکومت شعار اعدام آنها را میدهند، شورا باید تلاش کند بجای این شعار، خواست محاکمه علنی سران حکومت را رواج بدهد.

از نظر عملی کار شوراها متحد نگاهداشتن مردم، فراخوان به تظاهرات هر زمان که زمینه آن وجود دارد، سازماندهی و هدایت تظاهرات، بیانیه دادن، این خواست‌ها را به پرچم همه مردم محل تبدیل کردن، جواب دادن به خزعبلات مقامات و ارگانهای محلی حکومت، شعارنویسی، راه انداختن میدای اجتماعی برای سازماندهی و تماس با مردم شهر و اقدامات مشابه است. وظایف شوراهای با توجه به شرایط متفاوت است. در شرایطی مردم در ابعاد دهها هزار نفره بیرون میایند، باریک‌بندی میکنند و وارد مرحله دیگری از مبارزه میشوند. وظایف شوراهای سازماندهی در چنین شرایطی سازماندهی اشکال تازه تعرض مردم به حکومت است. به یک معنی کار این شوراهای رهبری مبارزات میدانی مردم با توجه به شرایط هر دوره است.

**خلیل کیوان:** به ویژگی های هر شهر اشاره کردید. چه ویژگی هایی؟ **اصغر کریمی:** خواست هایی که اشاره کردم خواست های سراسری هستند که شامل مردم هر شهر و محله ای میشود. اما برخی مناطق مسائل و خواست های ویژه خود را هم دارند. فی المثل در خوزستان یا آذربایجان که مردم به زبان های مختلف صحبت میکنند، حکومت تلاش میکند تفرقه قومی ایجاد کند و قومپرستان هم آنرا باد میزنند. وظیفه این شوراهای تلاش برای مقابله با این تفرقه افکنی ها و متحد کردن مردم حول خواست

## از صفحه ۳ شوراها سازماندهی اعتراضات

های انسانی شان از جمله برابری و حقوق برابر همه شهروندان و رفع هر نوع ستم ملی و مذهبی و غیره است. در برخی مناطق مردم با مشکل آب، برق یا ناامنی جاده مواجهند. هر شهری ویژگیهای خاصی دارد. علاوه بر این مسائل روزمره ای اتفاق می افتد که بلافاصله مردم را به حرکت میکشاند. اذیت و آزار دستفروشان یا قتل کولبران در کردستان، فساد مقامات حکومتی و یا زورگویی اوباش و مقامات حکومت زمینه اعتراض را ایجاد میکنند. اخراج کارگران یا نپرداختن حقوق آنها هم باید به مساله مردم شهر تبدیل شود و شورا در این زمینه ها لازم است گفت‌وگو و فضا را برای اعتراض عموم مردم فراهم کند و نسبت به همه این مسائل حساس باشد و بررسی کند که کدام موضوع در هر مقطع زمینه بیشتری برای اعتراض توده مردم ایجاد میکند.

اما بحث فقط ویژگیهای شهرها نیست. مبارزه حول خواستههای عمومی و پایه ای، همیشه بطور کنکرت پیش میرود. مثل خواست عمومی آزادی زن حول حجاب و دختران انقلاب، اعتراض علیه دزدیها در اعتراض مالباختگان یا علیه مجازات اعدام در اعتراض علیه حکم رامین حسین پناهی و غیره. شوراها باید حول این مسائل مشخص مبارزه را سازمان بدهند. این نوع مسائل که بطور مرتب اتفاق می افتد فرصت هایی به مردم برای اعتراض میدهد و شورا باید اینها را فوراً تشخیص بدهد و قابلیت به تحرك در آوردن و سازمان دادن مردم را از خود نشان دهد.

**خلیل کیوان:** این شوراها مخفی هستند یا علنی؟

**اصغر کریمی:** هم مخفی هم علنی. در این مرحله اسامی آدم ها و سازماندهندگان شوراها سازماندهی نمیتواند علنی باشد چون با محدودیت و زندان مواجه میشوند. به این معنی مخفی است اما شورا به اسم خود فراخوان میدهد، شعارنویسی میکند یا در حمایت از اعتراض مردم در سایر شهرها بیانیه حمایتی میدهد. مثلاً

سازماندهی وجود دارد. باید دست به کار شد و مردم را سازمان داد.

**خلیل کیوان:** چه توصیه ای به فعالین برای ایجاد شوراها سازماندهی دارید؟

**اصغر کریمی:** خیلی از فعالین در سالهای اخیر به اهمیت سازماندهی توجه دارند و تلاش های زیادی هم کرده اند که هر جا میتوانند و به هر شکل که میتوانند تشکل هایی در زمینه های مختلف، از محیط زیست و دفاع از حقوق حیوان، از دفاع از زندانی سیاسی یا علیه اعدام تا دفاع از حقوق کودک و حقوق زنان و کارگران و غیره ایجاد کنند. در مورد سازماندهی اعتراضات توده ای علیه حکومت هم خیلی ها فکر کرده اند و بحث کرده اند. توصیه من به دوستانی که قصد ایجاد این شوراها یا تشکلی با هر نام دیگری برای هدایت اعتراضات توده ای دارند این است که در جمعی کوچک بحث کنند، روی شکل سازماندهی، ارتباطاتی که در محل دارند، دوستان مناسبی که میشناسند، روی خواست ها و مسائل ویژه شهرشان صحبت کنند و پس از توافق اولیه هر کدام این ایده را با تعدادی از دوستان نزدیکشان در میان بگذارند و قبل از اینکه تشکلشان را علنی کنند

تعداد قابل توجهی را حول این مساله آماده کرده باشند. به یک معنی دوره ای را صرف گردآوری نیرو بکنند که موقعی که تشکل شان اعلام موجودیت میکنند منحصر به تعداد محدودی نباشد و در سطح شهری یا محله دهها نفر را به آن جذب کرده باشند. اینها فعالین اولیه تشکل هستند، و هر کدام از اینها با دوستان خود صحبت میکنند و اگر توافقات اولیه محکم باشد و همدلی بالایی در جمع اولیه ایجاد شده باشد و بویژه اگر فعالینی که بصورت اجتماعی کار میکنند و نفوذ اجتماعی دارند جذب آن شده باشند به سرعت به قدرتی در محل تبدیل میشوند و زمانی که اعلام موجودیت میکنند، قدرت عمل بالایی دارد و در مقابل فشارهای حکومت میتواند ایستادگی کند. همینجا باید تاکید کرد که تجمع و مبارزه سازمانیافته و مستمر برای آزادی فعالینی که دستگیر میشوند

یک امر مهم شورا محسوب میشود.

**خلیل کیوان:** به مدیای اجتماعی اشاره کردید. نقش مدیای اجتماعی چه در تشکییل و راه اندازی آن و چه در ادامه فعالیت آنها چیست؟

**اصغر کریمی:** مدیای اجتماعی امروز ابزار مهمی نه تنها برای تبلیغ و فعالیت سیاسی بلکه همچنین برای سازماندهی است. فعالین شورا از طریق مدیای اجتماعی رابطه وسیعی با مردم شهر میگیرند و فراخوان هایشان را از این طریق به گوش مردم میرسانند و نیروی وسیعی از این طریق جذب شورا میکنند. توصیه من این است که یک گروه تلگرام مخفی ویژه فعالین در شروع کار ایجاد شود که نقش هماهنگی و سازمانگرانه در جمع اولیه دارد و یک گروه بزرگ و علنی تلگرامی در سطح شهر یا محله که حلقه اتصال میان فعالین و اهالی شهر ایجاد میکند و گفت‌وگو شورا سازماندهی را در سطح محله یا شهر توده ای میکند. جذب نیرو هم از طریق روابط شخصی فعالین با دوستان و آشنایان مورد اعتماد صورت میگیرد و هم از طریق مدیای اجتماعی. در این زمینه هم فعالین فی الحال تجربه بالایی دارند.

یک وجه دیگر نقش مدیای اجتماعی این است که موج تشویق فعالین در شهرها و محلات دیگر میشود که اینهم بسیار مهم است. هر چه تعداد بیشتری از این نوع تشکل های محلی درست شود، کار رژیم را سخت تر و کار مردم را برای سازماندهی اعتراضات بزرگ و سراسری ساده تر میکند.

**خلیل کیوان:** حزب چه کمکی به فعالینی که قصد ایجاد این شوراها را دارند میکند؟

**اصغر کریمی:** توصیه من این است که دوستانی که قصد متشکل کردن مردم را دارند، با حزب و مشخصاً کمیته های حزب که کار سازماندهی در داخل کشور را بعهده دارند یعنی کمیته سازمانده، کمیته کردستان و آذربایجان و همینطور سازمان جوانان کمونیست، تماس بگیرند، سوال و ابهامی دارند یا پیشنهاداتی دارند و همینطور در مورد کارشان را با ما

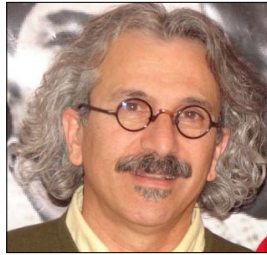
در میان بگذارند تا به سهم خود و با تبادل نظر با خود این دوستان کمک کنیم که در شروع کار قوی و یکدست و پخته تر امر متشکل کردن مردم را به پیش ببریم بویژه با استفاده از تجارب خوب دیگران.

یک نکته مهم این است که در فاصله بین دو اعتراض یا دو تظاهرات کارهای زیادی باید کرد که بدون سازمان عملی نیست. بدون سازمان همانطور که اشاره کردم یک اعتراض در جایی صورت میگیرد و بعد از مدتی بدلیل دستگیری تعدادی از مردم و یا به هزار دلیل دیگر فروکش میکنند. وجود سازمان کمک میکند تا در فاصله دو تظاهرات کارهای تدارکاتی و جذب نیرو صورت گیرد، عده بیشتری تشویق به همکاری شوند، در مورد راهکارها صحبت شود، تظاهرات قبلی و نقاط قوت و ضعف آن مورد ارزیابی و جمع بندی قرار گیرد، اشکال دیگر اعتراض علاوه بر تظاهرات ادامه پیدا کند و کمک کند که اعتراض بعدی قوی تر و متحدانه تر صورت گیرد.

خلاصه کنم زمینه سازماندهی بیش از هر زمانی وجود دارد، نیروی انسانی آن وجود دارد و باید دست به کار شد. الان بیش از هر زمان، وقت سازماندهی است. امیدوارم در این دوره شاهد ایجاد انواع سازمانهای محلی و شهری برای هدایت اعتراضات توده ای مردم باشیم. سرنگونی جمهوری اسلامی به موضوع عاجلی تبدیل شده و هر گام سازماندهی ما را در موقعیتی بسیار بهتر برای دخالتگری توده بیشتری از مردم قرار میدهد. این مردم را نه تنها در مقابل حکومت بلکه در مقابل انواع دسیسه ها و انتظار کشیدن ها و یا به انتظار ناجی نشستن، که از طرف جریان دست راستی مطرح میشود، تقویت میکند. مردم به هر درجه بیشتر متشکل شوند، در سرنوشت خود بیشتر دخیل میشوند، افکار و برنامه های انسانی و چپ و آراخواهانه بیشتر رشد میکنند و دست جریان دست راستی مرتجع که اگر به قدرت برسند باز هم قرار است سرمایه داری و همراه با آن فقر و محرومیت و بیحقوقی را به مردم تحمیل کنند، بیشتر خواهد بست. \*

## ما و بحران آب

علی جوادی



مساله آب مدتی است که در جامعه ایران به بحران آب تبدیل شده و اکنون به مرحله خطرناکی رسیده است. در طول تاریخ بشری، همواره آب با تمدن و در طول عمر کائنات با حیات همراه بوده است. بدون آب نه صحبت از حیات میتوان داشت و نه صحبت از انسان و جامعه و تمدنی. هرگونه جستجو و تلاش برای یافتن حیات در کائنات از جستجو برای یافتن آب شروع میشود. اگر آبی وجود نداشته باشد، امکان حیات در اشکال شناخته شده تاکنونی آن بسیار ناچیز و غیر محتمل است. و امروز همین مولفه اصلی حیات و زندگی انسانی در بخشهایی از جامعه بشری در آستانه نابودی قرار گرفته است.

تصویر مردمی که با دبه ای در صفا به انتظار تانکر آبی ایستاده اند تا چند لیوان آب قابل خوردن دریافت کنند، تصویر زندگی را دگرگون کرده است. تصویر زندگی مردمی که شیر آب را به امید مصرف عادی و روزانه زندگی باز میکنند، اما گل و آب شور و آب آلوده دریافت میکنند، تکان دهنده و غیر قابل باور است. اکنون آب قابل آشامیدن در بخشهایی از جامعه به يك كالای لوکس و بعضا دست نیافتنی تبدیل شده است. بنا به ادعای مسئولین وزارت نیرو حدود ۲۷ میلیون نفر از مردم در معرض خطر عدم دسترسی به آب مورد نیاز خود قرار دارند. بسیاری از رودخانه ها، دریاچه ها، و تالاب ها یا خشک شده اند یا در معرض خشک شدن قرار گرفته اند. از طرف دیگر همین مسئولین حکومتی شانه بالا انداخته و وقیحانه اعلام میکنند که: "امکان جمع آوری و احداث سد های جدید آب در کشور وجود ندارد و تا جایی که این امکان وجود داشت در یکی دو دهه اخیر انجام شده است و از سویی نیز امکان انتقال آب از مناطق پرآب کشور به مناطق خشک و کم آب نیز بیشتر از میزان فعلی امکانپذیر نیست و نمی توان چندان به فراهم شدن امکان جا به جایی آب بین

اسلامی تنها مصرف کننده هشت درصد از آب های موجود کشور" هستند. "این در حالی است که ۹۰ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی و ۲ درصد آن در بخش صنعت مورد استفاده قرار می گیرد".

این آمار به اندازه کافی گویا هستند. میزان آب مصرفی مردم بخش کوچکی از کل آب مصرف شده در جامعه است. نتیجتا هرگونه تلاش برای مقصر قلمداد کردن مردم يك تلاش مذبحوحانه حکومتی است. ساده است با يك محاسبه سرانگشتی میتوان پی برد که حتی اگر میزان آب مصرفی در ایران به متوسط جهانی نزدیک شود، میزان کل آب مصرفی حداکثر حدود ۲ درصد کمتر خواهد شد. نتیجتا پاسخ به معضل کم آبی را اساسا باید در جای دیگری جستجو کرد.

خودشان میگویند "۹۰ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی" مورد استفاده قرار میگیرد. نتیجتا اگر مساله به هر درجه که بر یا کاهش تقاضا متمرکز شود، باید به چگونگی و سیاستهایی که منجر به این میزان مصرف در این بخش میشود، پرداخت. واقعیت این است که در این بخش نیز حدود ۸۰ درصد آب مصرف شده توسط حدود ۱۰ درصد سرمایه های متمرکز در این عرصه صورت میگیرد. سرمایه هایی که با استفاده از امتیازهای حکومتی توانسته اند با حفر چاه های عمیق و بهره برداری از سفره های آب های سطحی و عمیق عملا ذخایر آبی جامعه را نیز به نقطه بحرانی برسانند. روشن است که هدف از فعالیت اقتصادی در این عرصه مانند هر قلمرو اقتصادی دیگری تولید سود برای سرمایه دار و نه رفع نیازمندیهای مورد نیاز جامعه است.

همانطور که ذکر کشاورزی يك عرصه پر مصرف آب در جامعه است و حکومت اسلامی با تکیه بر سیاست ارتجاعی "خودکفایی اقتصادی" در زمینه مواد غذایی عملا به مصرف بی حد و اندازه آب در جامعه دامن زده تا جاییکه دریاچه ها و رودخانه و تالاب های بسیاری خشک شده اند و شرایط زندگی دهها میلیون تن دستخوش

را به کام مرگ میکشید اکنون قابل کنترل و پیشگیری هستند؟ مگر نه اینکه در حال حاضر محققین گامهای موثری در کشف واکسن بیماری مهلك ایدز برداشته اند؟ آیا حل معضل کم آبی در جامعه ای مانند ایران با این مجموعه از امکانات اقتصادی و نیروی انسانی باید به چنین سرانجام دهشتناکی منجر شود؟ پاسخ قطعا منفی است. جوامع بسیاری با چنین معضلی و یا معضلات مشابهی ای مواجه بوده اند و اگر درجه ای از اراده انسانی در آن جوامع موجود بوده، توانسته اند بر این مسائل غلبه کنند. واقعیت این است که تاریخ بشریت مملو از مواجهه با چنین معضلات و پیدایی راه حل و غلبه بر آنها بوده است. اما تاریخ بشریت و حکومتهایی که به درجه ای در قبال جامعه مسئولند و نه تاریخ حکومت اسلامی!

در بررسی علل و ریشه های آنچه که بحران آب نام گرفته است، مسئولین حکومت اسلامی معمولا انگشت اتهام را بی شرمانه به سوی خود مردم نشانه میکنند. میگویند مصرف سرانه آب در ایران ۱۹۰ لیتر در روز است که ۴۰ لیتر بیشتر از مصرف روزانه در سطح جهان است. پس مردم مقصرند. چرا که صرفه جویی نمیکند و غیره و غیره. اما واقعیت چیست؟

برای بررسی باید به يك مساله اساسی اشاره کرد. متوسط سرانه شاخص دقیق و واضحی برای پی بردن به ریشه این معضل نیست. مساله در اینجا نه بر سر مصرف سرانه آب در جامعه بلکه اساسا و در درجه اول بر سر توزیع چگونگی مصرف آب در بخشهای مختلف در جامعه است. خود آمار حکومتی آنجا که هدفشان شانه خالی کردن از مسئولیت در قبال این معضل حیاتی نیست، به اندازه کافی گویا است. مردم "بر اساس آمار اعلام شده از سوی مسئولان وزارت نیرو و مرکز پژوهش های مجلس شورای

شدیدترین بحرانها شده است. جامعه بشری يك جامعه جهانی است و نیازهای بخشهای مختلف هر بخش از مردم نیز الزاما نباید در "کشور و ده خودی" تامین شود. اگر داری مورد نیاز جامعه و یا بسیاری از کالاهای مورد نیاز جامعه از هر گوشه جهان که تولید شده باشد به هر گوشه جهان برای مصرف ارسال میشوند، نتیجتا میتوان مواد غذایی مورد نیاز جامعه را با توجه به کمبود آب موجود از هر گوشه ای از جهان تامین کرد. سیاست "خود کفایی اقتصادی" نه تنها يك سیاست ارتجاعی اقتصادی است، بلکه در این شرایط يك سیاست ضد انسانی است که بخشهایی از جامعه را در آستانه نابودی قرار داده است.

اما به طرف دیگر معادله نیز باید نگاه کرد. میزان عرضه در چهارچوب عرضه و تقاضا. مسلما آب را همانند بسیاری از کالا نمیتوان کرد. کارخانه تولید آب نداریم. اما آب را میتوان تبدیل کرد. میتوان آب شور را به آب شیرین تبدیل کرد. میتوان با حفر کانالهایی که آب را به هدر نمیدهند آب را از يك منطقه به منطقه دیگر منتقل کرد. میتوان با تکنولوژی بسیار ساده جلوی تبخیر بی رویه آب را گرفت. میتوان از آلوده شدن آب رودخانه ها و دریاچه ها جلوگیری کرد. میتوان آب مصرف شده شهری را دوباره تصفیه کرد و در زمینه های مختلف دیگر مورد استفاده قرار داد. میتوان جلوی از بین رفتن ذخایر زیرزمینی آب را گرفت. میتوان آب های هرز و رونده را گرد آورد و مصرف کرد. تکنولوژی معاصر راه حل های متعدد و بسیاری را در این زمینه در مقابل ما قرار داده است.

اما اگر چنین راه حل های ساده ای مورد مصرف قرار نمیگیرند. اگر اولویت حکومت تامین این نیاز حیاتی زندگی در جامعه نیست. اگر تلاش جدی و همه جانبه ای برای تامین آب آشامیدنی مورد نیاز جامعه صورت نمیگیرد؟ نتیجتا پاسخ را باید تنها در سیاستهای ضد انسانی این حکومت جستجو کرد.

کم آبی يك واقعیت جامعه ایران

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

### فراخوان باز نشستگان به تجمع در مقابل مجلس

بار دیگر باز نشستگان برای پیگیری خواسته‌هایشان، خود را برای برپایی تجمع بزرگشان در مقابل مجلس اسلامی آماده میکنند. این تجمع قرار است ساعت ده صبح روز ۳۱ تیرماه برپا شود. فراخوان به این تجمع از سوی دست اندرکاران معلوم الحال گروه تلگرامی پیشکسوتان و زیر فشار جمعیت میلیونی باز نشستگان که بعد از عمری کار با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم میکنند، داده شده است.

اما بدنه معترض گروه‌های تلگرامی پیشکسوتان که در این گروه‌ها به عنوان ابزاری برای اطلاع رسانی و ارتباط گیری سراسری با یکدیگر استفاده میکنند و در آن جمع هستند، مثل هر بار با شعارها، بیانیه و خواسته‌های روشن خود در تدارک برگزاری تجمع عظیم خود هستند و در میان آنان جنب و جوش وسیعی به پا شده است.

در بخشی از فراخوان منتشر شده دست اندرکاران گروه پیشکسوتان در تلگرام، بمناسبت تجمع روز سی و یکم تیرماه چنین آمده است: "ما باز نشستگان کشوری بار دیگر در تجمع عظیم گرد هم میاییم و حقوق از دست رفته مان را مطالبه خواهیم کرد و به معاندان و منافقین اجازه بهره برداری سیاسی نخواهیم داد."

بدین ترتیب اینان از یکسو جلودار می‌افند و اعلام تجمع میکنند، چون به روشنی فضای پر از اعتراض در میان باز نشستگان را شاهدند و از به میدان آمدن دوباره آنان به شدت نگرانند و میخواهند که تا جایی که در توان دارند اوضاع را در کنترل داشته باشند. از سوی دیگر خود نقش نیروی سرکوب حکومت را بازی کرده و با به کار بردن همان واژه‌های شناخته شده اطلاعاتی‌های حکومتی و تحت عنوان اینکه به "معاندین و منافقین" اجازه بهره برداری سیاسی نخواهند داد، هم به رژیم خاطر جمعی میدهند و هم فضای

اعتراض را امنیتی کرده و چماق سرکوب را بر روی سر باز نشستگان قرار داده‌اند که مبادا دست از پا خطا کند. دست اندرکاران معلوم الحال پیشکسوتان وحشتشان از اینست که مبادا هزاران باز نشسته بار دیگر با همان شعارهای اعتراضی‌ای که بارها و بارها با آنها به خیابان آمده و صدای اعتراضشان را علیه فقر، تبعیض، نابرابری بلند کرده و کل بساط دزدسالاری حاکم را به چالش کشیده‌اند، دوباره به میدان آیند. خصوصا در شرایطی که فضای سیاسی جامعه چنین ملتهب است و مردم دارند با خیزش‌های شهری شان به جلو می‌آیند، نگرانی شان صدچندان است. به راستی کل حکومت و جانبدارانشان در مخمصه بدی قرار گرفته‌اند.

البته این اولین بار نیست که دست اندر کاران گروه تلگرامی پیشکسوتان با چنین خط و نشان‌هایی رو به باز نشستگان و جامعه سخن میگویند. اما نکته قابل توجه اینست که بدنه باز نشستگان سالهاست که از این‌ها عبور کرده‌اند و اعتراضات درخشان آنها در چند ساله اخیر، از جمله تبدیل "تجمعات سکوت" به تجمعات اعتراض و طنین شعارهای کوبنده آنان در تجمعات اعتراضی شان در مقابل مجلس اسلامی بیانگر روشن این حقیقت است. در ادامه چنین مبارزات درخشانی است که باز نشستگان به تدارک تجمع روز ۳۱ تیر و میروند و مثل هر بار حساب خود را از دست اندرکاران راست این گروه‌ها جدا کرده و خشمگین از اینکه علی‌رغم تجمعات متوالی آنها پاسخی به خواسته‌هایشان داده نشده است، مثل هر بار اعلام کرده‌اند، همه می‌آییم و با شعارهای اعتراضی مان برای پیگیری خواسته‌هایمان می‌آییم. بدین ترتیب باز نشستگان در تدارک برگزاری تجمع عظیم اعتراضی شان هستند. وسیعا اطلاع رسانی کنیم.

### انشقاق در صف "پیشکسوتان"

در حالیکه باز نشستگان در تدارک



برگزاری تجمع ۳۱ تیرماه برای پیگیری خواسته‌هایشان هستند. جمعی دیگر از پیشکسوتان با فراخوانی دیگر تاریخ اول مرداد را برای تجمع اعلام کرده‌اند. اینجاست که اینان تحت عنوان اینکه تاریخ برگزاری تجمع برای سی و یکم تیرماه با "خرد جمعی" تعیین نشده است، بلکه بدستور وزارت اطلاعات و با همکاری اشخاصی چون غضنفری و ملک تصمیم گیری شده است، آنرا ملغی دانسته و تاریخ اول مرداد را برای تجمع اعلام کرده‌اند. که البته معلوم نیست تاریخ مد نظر آنان بر اساس کدام "خرد جمعی" تعیین شده است.

در بخشی از بیانیه این بخش از پیشکسوتان چنین آمده است: "هدف وزارت اطلاعات از برگزاری تجمع در این روز این است که مجلس در آن روز تعطیل است و تجمع هیچ تاثیری ندارد و کسی هم نیست که به حرف باز نشستگان گوش دهد و به این ترتیب تجمع خنثی خواهد شد. همچنین وزارت اطلاعات با وسیله قرار دادن جامعه باز نشستگان توسط این دونفر یعنی غضنفری و ملک به همه آدمینها ابلاغ کرده‌اند که بالای هر لوگو یا تراکتی ابتدا بنویسند که با براءت از منافقین و معاندین نظام تجمع را برگزار می‌کنیم."

این چنین است که در دل نزاعهای این داوردسته، چنین دست یکدیگر را رو میکنند و حقیقت در

برابر چشمان همگان قرار میگیرد. اگر چه به خود این جنابان نیز باید اعلام کرد که تعطیلی یا باز بودن مجلس تاثیر چندانی در تجمع اعتراضی باز نشستگان در مقابل مجلس ندارد. مجلس اسلامی محل بحث و تصویب همان طرحها و برنامه‌هایست که بر اساسش زندگی و معیشت ما باز نشستگان و ما مردم مورد چپاول و تعرض قرار میگیرد. تبدیل این محل به مکان تجمعات بخش‌های مختلف مردم، در حقیقت نشانی از اعتراض جامعه به قوانین ارتجاعی اسلامی و کل دم و دستگاه قانونگزاری و سرکوب و جنایت حکومت است.

بنابراین در این میان نکته هشدار دهنده برای ما باز نشستگان اینست که نباید اجازه داد که اعلام دو تاریخ برای روز تجمع صف اتحاد مان را بر هم زند. نه پیشکسوتان فراخوان دهنده روز ۳۱ تیرماه با بیانیه‌ای با گفتمان اطلاعاتی‌های حکومتی برای ما جایگاه و مکانی دارند، نه پیشکسوتان فراخوان دهنده به تجمع برای روز اول مرداد ماه نماینده و منتخب کسی هستند. به عبارت روشنتر نزاع اینان ربطی به ما بدنه باز نشسته ندارد و این فشار اعتراضات ماست که در میان خودی‌هایشان چنین انشقاق‌هایی شکل میگیرد. از همین رو اینان که خود تا دیروز با یکدیگر همراه بودند، امروز چنین در برابر هم قرار گرفته‌اند و پرونده‌های یکدیگر را رو میکنند.

پاسخ باز نشستگان به همه این دارو دسته‌ها روشن است. پاسخ باز نشستگان اینست که در هر تجمعی که به اسم ما باز نشستگان اعلام میشود، شرکت میکنیم تا مستقیما حرفمان خودمان را بزنییم و اجازه نمیدهیم که عده‌ای به اسم پیشکسوت و تحت عنوان "خرد

جمعی" برای ما تجمع "سکوت" سازمان دهند و جلوی فریاد اعتراض ما را به اینهمه تبعیض و نابرابری و بی‌تامینی و زندگی جهنمی‌ای که به کل جامعه تحمیل شده است را بگیرند.

باز نشستگان در مبارزات چند ساله اخیر خود به روشنی نشان داده‌اند که از همه اینها عبور کرده‌اند. باز نشستگان امروز خود را برای تجمع عظیم روز ۳۱ تیر ماه آماده میکنند.

باز نشستگان در تجمعات با شکوه قبلی خود با شعارهایی چون حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی، اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود، خط فقر ۴ میلیون حقوق، ما یک میلیون، منزلت، معیشت، حق مسلم ماست، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، تحصیل رایگان برای همه، جای معلم زندان نیست، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. سفره شما رنگینه، سفره ما فقیر، اعتراض خود را به فقر، بی حقوقی، بی تامینی و تبعیض و نابرابری اعلام کرده و کل بساط جهنمی حکومت اسلامی را به چالش کشیده و به طور واقعی صدای اعتراض کل جامعه بوده‌اند.

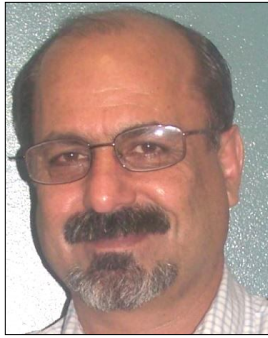
باز نشستگان یک بخش بسیار معترض جامعه هستند که تا کنون با مبارزات درخشان خود، با برگزاری تجمعات هزاران نفره و با شعارهای رادیکال و معترض خود که اساسا کل بساط توحش و بربریت حاکم و فاصله اشکار طبقاتی را به چالش میکشد، به سهم خود نقش مهمی در جلو آوردن گفت‌وگوهای چپ و کارگری در سطح جامعه و تغییر توازن قوای سیاسی به نفع مبارزات کل مردم داشته‌اند. از خواسته‌ها و مبارزات آنان وسیعا حمایت کنیم. \*

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید**  
**ماهواره یاه ست**  
**فرکانس : 12073**  
**پولاریزاسیون : عمودی**  
**سیمبل ریت : 27500**  
**اف ای سی : 7/8**

## در باره تجمع در قلعه بابک و دستگیریها

گفتگو با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب



هر ساله در سالگرد تولد بابک خرم‌مدین مناقشه‌ای پوشالی و تماشایی در میان این دو شاخه ناسیونالیسم راه می‌افتد. اولی تلاش می‌کند بردوش بابک ضدیت فاشیستی علیه "عربها" را فریاد بزند، و دومی از بابک برای ضدیت فاشیستی علیه "فارسها" سوء استفاده می‌کند. بابک ضد عرب نبود. با خلفای عباسی و اشراف حاکم مبارزه می‌کرد که با تصرف زمینها و به اسارت کشیدن توده های وسیع دهقان و زارع فقر و بیخانمانی و تهیدستی را بر زندگی اکثریت جامعه حاکم کرده بودند. در فلسفه سیاسی حاکم بر مبارزه بابک خرم‌مدین، شادی و خرمی و سعادت و رفاه متعلق به همه بود. ثروت و زمین و محصولش باید به صورت همگانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. رفاه و شادی همگان اهمیت داشت. رفاه و شادی بخشی از جامعه همراه با فقر و تهیدستی و غم در میان بخش دیگر جامعه نمیتوانست میسر شود.

به این اعتبار، اهداف ناسیونالیسم در هر رنگ و قیافه ای تماما در نقطه مقابل اهداف عدالت طلبانه و برابری طلبانه بابک خرم‌مدین است. بابک در عصر خودش پیشرو بود. اینها در عصر خودشان ارتجاعی اند. بابک خرم‌مدین به ۱۱ قرن پیش تعلق دارد اما اگر چیزی او را به جهان امروز وصل می‌کند تلاش انسان برای عدالت و برابری است که همیشه وجود داشته است و البته در زمانهای مختلف ویژگیهای خودش را داشته است.

**انترناسیونال:** با توجه به همه اینها، نظرت در باره دستگیریها در رابطه با تجمع قلعه بابک چیست؟

**محسن ابراهیمی:** همچنانکه از حکومت اسلامی انتظار می‌رفت، نیروهای انتظامی بیشتر از هفتاد نفر از فعالین و شرکت کنندگان در تجمع قلعه بابک را بازداشت کردند و البته هم هنگام بازداشت و هم در زندان مورد شکنجه و آزار قرار دادند. با این وجود همان روزهای

همه جناحهای حکومت اسلامی به خیابان ریختند، در حالیکه در کازرون و خرمشهر و آبادان و اهواز و برازجان و شهرهای دیگر مردم به نبردی جانانه علیه نهادهای حکومتی و دستگاه سرکوب حکومت دست می‌زنند، در حالیکه کارگران تعطیل ناپذیر مشغول اعتراض و مبارزه علیه سرمایه داران و دستگاه سرکوب هستند، محافل مرتجع ناسیونالیستی تمام مشغله شان این است که در قلعه بابک علیه فارسها شعار بدهند. در متن یک مبارزه شورانگیز علیه فساد و نابرابری حاکم با شعارها و مطالبات بسیار انسانی و عدالت طلبانه، این تقلاهای ناسیونالیسم ترک جدا مضحک و مهجور است. با این وجود باید در مقابل همین تقلاها هم ایستاد و نقش مخرب این جریان را افشا کرد.

یک بخش از کار و تلاش سیاسی ما در کمیته آذربایجان حزب معطوف به خنثی کردن تحرك این محافل ارتجاعی است.

**انترناسیونال:** نظرت در باره جنبش بابک خرم‌مدین چیست؟ بابک در تاریخ سیاسی ایران به چه جنبشی تعلق دارد؟

**محسن ابراهیمی:** این بحث مفصلی است و فرصت مناسبتری را نیاز دارد. اما اینجا لازم است روی یک موضوع تاکید کنم که بابک خرم‌مدین نه به ناسیونالیسم ایرانی و نه به ناسیونالیسم ترک تعلق ندارد. این دو جریان زمین و زمان را به هم میدورزند تا از این شخصیت عدالت طلب و آزادیخواه و پیشرو و مترقی در زمان خودش یعنی ۱۱ قرن پیش، به نفع ارتجاع ناسیونالیستی در قرن بیست و یک استفاده سیاسی کنند.

تیپ آدم آنجا شرك می‌کنند. جوانانی که می‌خواهند از محیط منزجر کننده حکومت اسلامی در شهر و تلویزیون و رسانه های رسمی و دسته های نهی از منکر و امر به معروف و پلیس اخلاقی و عفاف و کوفت و زهرمارش دور شوند و در کوهستان و در طبیعت آزاد بخوانند و برقصند و حال کنند؛ جوانانی که میخواهند با یک شخصیت عدالت طلب تداعی شوند و به احترام و به بهانه بزرگداشت یک مبارز سرسخت علیه خلفای اسلامی قرن سوم اعتراضشان به خلفه اسلامی قرن بیست و یک را ابراز کنند؛ و بالاخره زنان و مردانی که به دلایل مختلف از حکومت اسلامی منزجر هستند.

مثل خیلی از تجمعات اعتراضی در ایران معلوم است که محافل ناسیونالیستی سعی می‌کنند این تجمعات را به فرصتی برای اشاعه شعارهای قوم پرستانه و بعضا فاشیستی تبدیل کنند. با این تفاوت که در اعتراضات کارگری و اجتماعی علیه حکومت در شهرها به خاطر فضای رادیکال و پیشرو و انسانی، دست و بال ناسیونالیستها بسته است و معمولا جایی برای ابراز وجود ندارند. فضای حاکم بر اغلب اعتراضات کارگری، تظاهرات و شورشهای خیابانی اساسا عدالت طلبانه و آزادیخواهانه است. مضمون مشترک این اعتراضات رهایی از وضع موجود و نظام حاکم است. چنین فضایی برای ابراز وجود محافل و جریانات بی‌ربط به آزادی و عدالت تنگ است.

به این اعتبار، این محافل فقدان زمینه برای ابراز وجود در شهر، در اعتراضات کارگری، در اعتراضات خیابانی علیه ظلم و فساد و نابرابری حاکم را یک جوری با تحرك در جریان بازهای تراکتور سازی و تجمع قلعه بابک جبران میکنند.

در حالیکه در دی ماه گذشته مردم در قریب ۱۰۰ شهر علیه

سلطه حکومت اسلامی که هنر و موزیک و رقص ممنوع است، به صدا در آوردن چند ساز و ابراز هنری در قلعه ای دور دست آنهم قلعه ای که سنگر مستحکم مبارزه علیه خلفای اسلامی قرن سوم توسط یک شخصیت محبوب و مبارز بود، قطعاً پیام سیاسی دارد. اما همچنانکه گفتم امروز دیگر مردم از این نظرها حکومت اسلامی را آنچنان عقب رانده اند که حتی وسط شهرها هم می بینیم که زنان و مردان جوان به بهانه های مختلف میرقصند و آواز میخوانند و ویدیوهایشان را در معرض دید عموم میگذارند. آخرین نمونه اش سیل ویدیو کلیپهای رقص است که در حمایت از دختر نوجوان مانده هژیوری رسانه های اجتماعی را فراگرفت و حکومت را به استیصال انداخت.

اما فراتر از رقص و آواز یک تم همیشه پلاکاردها و شعارها در قلعه بابک مطالبه بحق رفع تبعیض زبانی و حق مردم برای آموزش و تحصیل به زبان مادری بوده است. این شعار در اغلب گردهماییهای قلعه دیده شده است: "توزدیلیننده مدرسه، اولمالیدیر هر کسه" (مدرسه به زبان مادری حق هر انسانی است).

علاوه بر این، محافل ناسیونالیست در سالهای گذشته همه توانشان را بکار برده اند تا در این تجمعات شعارهای فاشیستی و عمیقاً ارتجاعی و عقب مانده شان را اشاعه دهند و همچنانکه گفتم یک جوری بیربطیشان به اعتراضات گسترده جاری را جبران کنند.

**انترناسیونال:** در این مورد بیشتر صحبت کنید. معمولا این جنبه از تجمعات قلعه بابک را برجسته میکنند. نظرتان چیست؟

**محسن ابراهیمی:** همچنانکه گفتم تجمع قلعه بابک شامل ترکیب بسیار وسیع و متنوع چه از لحاظ موقعیت طبقاتی و اجتماعی و چه از نظر فکری و سیاسی است. همه

**انترناسیونال:** قبل از هر چیز خیلی مختصر خوانندگان انترناسیونال را با جمعیتی که در سالهای گذشته در قلعه بابک رخ داده آشنا کنید. در یک سطح خیلی کلی چرا در سالگرد تولد بابک در قلعه بابک گردهم آبی راه می‌افتد؟

**محسن ابراهیمی:** جمهوری اسلامی همه دریچه های ابراز وجود هنری و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را برای مردمی که معمولاً معترض هستند بسته است. ساهاست که مردم، مخصوصاً جوانان هر امکانی را به فرصتی برای تجمع، کنار هم بودن، همفکری، همبستگی و اعتراض به وضع حاکم تبدیل میکنند. از مسابقات فوتبال گرفته تا جشن سال نو و چهارشنبه سوری تا حتی سالگردهای مذهبی مثل عاشورا و تاسوعا را مردم تبدیل میکنند به تجمعاتی برای دور هم بودن و همبستگی اجتماعی و سیاسی و اعتراض سیاسی علیه نظام حاکم. سالگرد تولد بابک خرم‌مدین هم به درجاتی یکی از این فرصتهاست. البته هر چه زمان گذشته، اعتراضات در محیطهای کار و تحصیل و زندگی افزایش پیدا کرده است، اعتراضات در سطح گسترده تری به خیابانها کشیده شده است و به همان درجه موقعیت قلعه بابک به مثابه فرصتی برای اعتراض کمتر شده است. مقایسه تعداد شرکت کنندگان در امسال با سالهای قبل این را به خوبی نشان میدهد.

**انترناسیونال:** آیا این گردهم آبی ها مضمون و اهداف سیاسی معینی دارند؟

**محسن ابراهیمی:** حتما این طور است. قبلاً جمعیت وسیعی حضور پیدا میکردند. این جمعیت شامل ترکیب بسیار متنوعی بود. معمولاً نسل جوان و اساساً معترض به وضع موجود. اگر چه برنامه های هنری مثل اجرای موزیک و ترانه ترکی یک وجه مهم و بعضاً غالب این تجمعات بوده است اما حتی همین وجه تجمع هم به یک معنا سیاسی بود. در کشور تحت

## مردم برازجان با شعارهای ضد حکومتی دست به تظاهرات زدند

مردم را نمیتواند حل کند، بلکه خود مسبب تشدید این مشکلات بوده و سیاستی جز سرکوب مردم ندارد، باید هرچه زودتر گورش را گم کند.

اعتراضات باید سازماندهی شود. در هر شهر و محله ای باید شوراهای سازماندهی اعتراضات را تشکیل داد تا اعتراضات با آمادگی بیشتری سازمان داده شود. باید شوراهای سازماندهی را همه جا تشکیل داد تا امکان دخالت توده های وسیع مردم محروم و معترض حول خواست های عادلانه و آزادیخواهانه شان فراهم شود و سرنگونی حکومت با سرعت بیشتری به پیش رود.

پیش بسوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ تیر ۱۳۹۷، ۹ جولای ۲۰۱۸

های ضد مردمی حکومت و بی توجهی کامل به نیازهای اولیه زندگی است. با صرف بخش کوچکی از هزینه هایی که صرف موسسات مذهبی و ارگان های سرکوب و یا کمک به جریانات و دولت های اسلامی و تروریست در منطقه میشود، با صرف بخش کوچکی از دزدی های میلیاردری مقامات و آیت الله ها و آقازاده ها مشکل آب و هوا و بسیاری مشکلات دیگر مردم قابل حل بود. بی جهت نیست که با هر مشکلی مردم به خیابان میایند و شعار مرگ بر دیکتاتور میدهند و میگویند دشمن ما همین جاست.

جامعه ایران از دیماه وارد فاز تازه ای شده و اعتراضات مردم تعرضی تر شده و هر روز در شهری از سر گرفته میشود. در دیماه ۹۶ مردم با شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در صد شهر شیپور سرنگونی حکومت را به صدا درآوردند و با تعرض به ارگانهای سرکوب اعلام کردند که این حکومت باید برود. حکومتی که نه تنها مشکل آب و هوا و برق، یعنی ابتدایی ترین نیازهای

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۶ و ۱۷ تیرماه مردم برازجان در استان بوشهر بدلیل چهار روز قطع آب دست به تظاهرات در خیابان های شهر زدند. مردم که عامل بی آبی و همه مشکلات زندگی را حکومت اسلامی میدانند شعار میدادند مرگ بر دیکتاتور، یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست و نترسید نترسید ما همه با هم هستیم.

مردم شهر وحدتیه در استان بوشهر نیز در اوایل تیرماه بدلیل کمبود آب جاده اصلی بوشهر شیراز را چندین ساعت مسدود کردند. هفته قبل نیز مردم آبادان و خرمشهر در اعتراض به بی آبی به خیابان ها ریختند و علیه جمهوری اسلامی تظاهرات کردند.

حدود نیمی از جمعیت کشور به گفته مقامات جمهوری اسلامی با مشکل بی آبی و کم آبی مواجهند و همه مردم میدانند که مسبب این وضعیت جمهوری اسلامی و سیاست

از صفحه ۷

### در باره تجمع در قلعه بابک و دستگیرها

اول به یمن یک جامعه پرچوش و خروش و سرشار از اعتراض ناگزیر شدند تعداد زیادی را آزاد کنند.

دستگیر شدگان قلعه بابک میتوانند به گرایشها و نظرات سیاسی متنوعی تعلق داشته باشند. راست باشند یا چپ، ناسیونالیست و قوم پرست باشند یا برابری طلب. مهم این است همه انسانها حق دارند آزادانه فعالیت سیاسی کنند. همه

انسانها مستقل از اینکه چه نظر، عقیده و گرایش سیاسی دارند باید بتوانند بدون هیچ قید و شرطی نظرات خود را بیان کنند، برای پیشبرد اهدافشان متشکل شوند و تجمع و اعتراض کنند. آزادی بی قید و شرط بیان و ابراز وجود سیاسی حق مسلم هر انسانی در هر شرایطی است. این یکی از بندهای مهم "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست

کارگری است.

به این اعتبار، تعرض سرکوبگران حکومت اسلامی به تجمع کنندگان قلعه بابک شدیداً محکوم است. همه دستگیر شدگان باید بی قید و شرط آزاد شوند. باید به هر طریق ممکن برای آزادی دستگیر شدگان تلاش کرد.

حکومت اسلامی از همه طرف با نفرت و انزجار و خشم و اعتراض مردم محاصره شده است. بازداشت و زندان و شکنجه ابزار ارباب و بقای این حکومت

در مقابل خطر سرنگونی است که امروز دیگر بیشتر از هر زمان این حکومت را تهدید میکند. با این وجود، این حکومت هرگز نتوانسته است مردم را مرعوب و ساکت کند.

باید این آخرین ابزار سران جمهوری اسلامی را هم تماماً از دستشان گرفت. باید این حکومت را با قوانین شریعتش به پایین کشید و فضا را برای فعالیت آزادانه همه انسانها با هر افکار و هر عقیده تماماً باز کرد.

باید بر روی ویرانه های

جمهوری اسلامی دنیایی ساخت که در آن هیچ نهادی نتواند هیچ حقی از هیچ انسانی به بهانه عقیده، مذهب، نژاد، قومیت، ملیت، جنسیت، گرایش جنسی و هیچ بهانه دیگری سلب کند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، برای سازمان دادن چنین دنیایی مبارزه میکند. دنیایی که در آن رفاه، آزادی و برابری حق مسلم و انکار ناپذیر همه انسانهاست. \*

از صفحه ۵

### ما و بحران آب

است، اما در جامعه ای که هدف حکومت رفع نیازمندیهای مردم و نه تولید سود و انباشت سرمایه و حفظ حکومت سرکوب بر مردم باشد، با همین درجه از کم آبی نیز میتوان به راه اصولی و فوری بمنظور حل این معضل رسید.

حکومت اسلامی باید سرنگون شود، چرا که یک حکومت مذهبی

است. حکومتی است که نفس خوشی و شادی و زندگی را بر مردم سیاه و تیره کرده است. حکومت اسلامی باید سرنگون شود، چرا حکومت سرمایه در ایران است، چرا که هدف فعالیت اقتصادی در این سیستم نه رفع نیازمندیهای جامعه بلکه تولید سود برای یک اقلیت استثمارگر و انگلی در جامعه است. اقلیتی که بخش وسیعی از آن را مافیای حکومتی و اوباش اسلامی حاکم بر جامعه تشکیل میدهد.

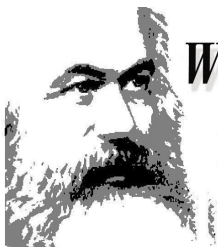
حکومت اسلامی باید سرنگون شود، چرا که حکومتی ضد آزادی و ابراز وجود آزاد انسانها در تمامی عرصه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است. حکومت اسلامی باید سرنگون شود، چرا که یک حکومت ضد زن است. نافی آزادی و برابری زن و مرد در جامعه و حکومت آپارتاید جنسی است. حکومت اسلامی باید سرنگون شود، چرا که یک حکومت مبتنی بر تبعیض و نابرابری است: تبعیض

جنسیتی، تبعیض بر حسب تکلم به زبانهای مختلف در جامعه، تبعیض بر حسب محل تولد و تابعیت، تبعیض بر حسب تمایلات جنسی، تبعیض بر حسب باور و عقیده و مذهبی. حکومت اسلامی باید سرنگون شود، چرا که حکومت فقر و فلاکت و بیکاری و بی خانمانی و گرسنگی و فحشا و اعتیاد و کودکان کار است. و بالاخره حکومت اسلامی باید سرنگون شود چرا که سیاستها و

عملکردش حتی آب را از مردم بسیاری محروم کرده است. زمانیکه ما در قدرت باشیم. زمانیکه قدرت سیاسی در دست ما باشد، جامعه با چنین بحرانهایی مواجه نخواهد شد. ما حل فوری و عاجل بحران آب را در دستور قرار خواهیم کرد. ما اجازه نمیدهیم سرمایه و سیاستهای ارتجاعی زندگی مردم را به ورطه نابودی بکشد. رفاه و آسایش همگان هدف و سیاست ماست! \*

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران  
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

www.wpiran.org



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker Communist Party of Iran  
www.wpiran.org



# جمهوری اسلامی در مقابل زنان ایران یک حکومت کمرشکسته است

شیرین شمس



نشان می‌دهد که زنان نه تنها از سرکوبهای حکومت مرعوب نمیشوند، نه تنها از احکام قضائی و زندان‌های نداشتند، بلکه اعتراضی تر و مصمم تر کمر به سرنگونی این حاکمیت ضد زن و زن ستیز بسته اند. این یک واقعیت انکار ناپذیر امروز مقابل دید همگان است که زنان با زیر پا گذاشتن ارزشهای ناب اسلامی، ارزشهای حکومتی که مسبب همه نوع بیحقوقی است، یکی از نیروهای محرکه و قوی جنبش ضدین و جنبش سرنگونی طلبی در ایران محسوب می‌شوند.

## تبعات پخش اعتراضات اجباری از مائده هژبری رقصنده اینستاگرامی، برای جمهوری اسلامی

این اقدام تلویزیون جمهوری اسلامی که چهره واقعی و عریان "صدا" و "سیما"ی این حکومت ضدانسانی را به نمایش می‌گذارد، قدمتی دیرینه دارد. از خرداد سال ۱۳۶۰ تا به الان، یکی از ابزارهای مرعوب کردن جامعه و ایجاد رعب و وحشت در بین اقشار مختلف، اعتراضات اجباری تلویزیونی بوده است، اما این سازمان حکومتی با آوردن بازجویی‌ها و شکنجه‌ها به خانه‌های مردم ایران، هرگز نتوانست جلوی موج آزادیخواهی و اعتراضات عموم مردم را بگیرد. با وجود بحران‌های عمیقتر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، با وجود اختلاسهای روزانه میلیاردی و تجاوزهای جنسی ابیادی جمهوری اسلامی به زنان و نوجوانان، و از طرفی با وجود اعتراضات سراسری و تصمیم عموم مردم به سرنگونی جمهوری اسلامی، پخش اعتراضات اجباری و شکنجه و بازجویی رقصنده‌های اینستاگرامی، اینبار هم تیری بود که حکومت به پای خود زد و نه تنها موجب رعب و

وحشت نشد بلکه باعث بالا رفتن روحیه اعتراضی و مبارزه طلبی مردم بخصوص زنان ایران، حمایت‌های وسیع بین‌المللی و حتی باعث بیشتر شدن اختلافات درون حکومتی مشخصا بین صدا و سیما و قوه قضائیه جمهوری اسلامی شد که منشا آن واکنش سریع و اعتراضی جامعه و نگرانی از پیشروی زنان و مبارزانشان بود.

## با حکم سنگین شاپرک شجری زاده، زنان مرعوب نمی‌شوند



و اما حکم ۲۰ سال حبس، دو سال حبس تعزیری و ۱۸ سال حبس تعلیقی برای شاپرک شجری زاده، زنی جوان که به دفعات در قالب کمیسیون چهارشنبه‌های بدون اجبار و کارزار دختران خیابان انقلاب، به حجاب اجباری اعتراض کرده بود، به نوعی چنگ و دندان نشان دادن یک حکومت کمرشکسته در مقابل زنان و جنبش نوین رهایی زن و جوانان در ایران است که نه تنها ارزشها و قوانین اسلامی را به چالش میکشند بلکه آنها را زیر پا گذاشته و برای حقوق انسانی خود مبارزه می‌کنند. خوشبختانه شاپرک توانسته از ایران خارج شود و در حال حاضر دست جمهوری اسلامی به این زن شجاع نمی‌رسد، او در مصاحبه‌ای به پرونده سازی اشاره میکند و می‌گوید که بعد از بازداشت کاشان، دستگاه قضائی قصد پرونده سازی علیه او را داشته است، او از بی‌عدالتی در دستگاه قضائی می‌گوید و با وجود چنین حکم سنگینی، از اعتراض خود به حجاب اجباری به هیچ‌عنوان اظهار پشیمانی نمی‌کند. او در همین مصاحبه به ایران به عنوان زندانی برای زنان اشاره میکند.

حکومت جمهوری اسلامی با

صدور چنین احکامی هم قصد داشته در جامعه بخصوص زنان که از نیروهای پیشرو جنبشهای مبارزاتی هستند، رعب و وحشت ایجاد کند و تلاش کرده که از طریق این اقدامات بخشی از جامعه را سرکوب کند. البته که در این زمینه هم همچون همیشه با شکست مواجه شده است، چرا که هیچکدام از احکام سنگینی که قبلا صادر شده نتوانسته آن جامعه تشنه آزادی را متوقف کند. کمیون نه به حجاب اجباری همچنان پا برجاست و روز به روز رادیکالتر و اعتراضی تر میشود و اعتراض به ماموران گشت ارشاد و آمران به معروف و ناهیان از منکر در سطح خیابانها در حال شدت گیری مضاعفی است.

امروز پیشروی "انقلاب زنانه" را در جای جای ایران می‌توان دید و به زنان در ایران افتخار کرد که علی‌رغم همه محدودیت‌ها و خشونت‌های قانونی، انقلابی به راه انداخته اند که حتی تیتیر مهمترین اخبار در سطح بین‌المللی را به خود اختصاص داده اند. انقلابی که شیرازه جمهوری اسلامی را از هم پاشانده است.



## در دفاع از مائده هژبری و شاپرک شجری زاده چه باید کرد؟

در این موقعیت لازم است که کمیون حمایت از آزادی و شادی را با ابتکارهای جمعی گسترش داد، تا حکومتی که چهل سال است با فرهنگ غم و اندوه و گریه زاری تلاش کرده جامعه را سرکوب کند، بیش از پیش عقب رانده شود. رقص جمعی مقابل مساجد و پایگاههای

## مائده هژبری رقصنده اینستاگرامی که ارزشهای اسلامی را زیر پا گذاشته است

شامگاه جمعه ۱۵ تیرماه ۹۷ برنامه‌ای تحت نام "مستند بی‌راهه" از شبکه یک صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد که در آن اعتراضات اجباری سه زن و یک مرد رقصنده اینستاگرامی بنام‌های مائده هژبری، الناز قاسمی، شاداب شکیب و کامی پخش شد که احساسات مردم را عمیقاً جریحه دار کرد و به خشم عمومی علیه جمهوری اسلامی که به اتاق خواب شهروندان هم تجاوز میکند، شدت داد. این رقصنده‌ها که به جرم ترویج "فحشا" به زندان و شلاق محکوم شده‌اند، در حال حاضر با قید وثیقه آزادند. در این میان پخش اعتراضات اجباری مانند هژبری دختر ۱۷ ساله، رقصنده و ورزشکار در زمینه ژیمناستیک و پارکور که در اتاق خواب رنگی خود می‌رقصید و فیلمهایش را در اینستاگرام منتشر میکرد، مورد توجه بیشتری از طرف افکار عمومی قرار گرفت. مائده در یک مصاحبه‌ای قبل از بازداشت، در مورد مشکلات زنان در ورزش بخصوص "حجاب" و نیز از محدودیت‌های قانونی موجود برای زنان در اماکن عمومی و ورزشی، نبودن تفریح برای نوجوانان و جوانان صحبت کرده و در یک جمله "بقول خودتون میخوان جمعمون کنن" نظرش راجع به برخورد قانون با زنان، جوانان و نوجوانان در جامعه را خلاصه کرده بود.

## بعد از پخش اعتراضات اجباری از مائده هژبری رقصنده اینستاگرامی، مائده‌ها روئیدند

در محکومیت این اقدام صدا و سیما جمهوری اسلامی، و نیز در حمایت از رقصنده‌های



اینستاگرامی، و همچنین راستای حق طلبی از یک زندگی آزاد و شاد، افراد زیادی در داخل و خارج کشور ویدئوهای رقص خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند. در این میان رقص مادری که گفت "برای نوجوانی و جوانی از دست رفته شما، برای آزادی و شادی که حقان است میرقصم"، رقص زنی جوان مقابل مسجد "امام صادق" که گفت "آگه، زندان، سرنوشت منه، ترجیح میدم واسه یه رقص کاملاً مجرمانه زندانی شم"، و رقص حمایتی فعالان عفو بین‌الملل از جمله رقصهایی بود که بیشترین توجه‌ها را به خود جلب کرد. کمپین حمایت از رقصنده‌های اینستاگرامی، حمایت‌ال‌جی‌بی‌تی کیو‌ها را هم بدنبال خود داشت. دو همجنس‌گرای مرد با بازنشر ویدئوی رقص خود، از مائده هژبری و رقص و شادی حمایت کردند.

این موج چنان رادیکال شد که دختران خیابان انقلاب که دیروز مقابل مساجد و حوزه علمیه‌ها و پایگاههای بسیج، این مراکز فاشیسم اسلامی حجاب بر می‌داشتند و سر چوب می‌کردند، امروز در واکنش به اعتراضات اجباری رقصنده‌های اینستاگرامی، بدون حجاب مقابل مسجد میرقصند و حکومت را به مصاف میخوانند، آنهم یک روز پس از پخش اعتراف اجباری مائده هژبری از صدای و سیما جمهوری اسلامی. این اقدامات بوضوح

## نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم!

سخنرانی محمد کاظمی در تظاهرات مقابل کتابخانه فرویو محل جلسه

سخنرانی سروش پنجشنبه ۱۲ جولای (۲۱ تیر) در تورنتو



این فاجعه هولناک شما را در ترازوی یک دادگاه مردمی قرار خواهند داد تا نقش شما در آن سرکوب خونین معلوم شود. دوستان سابق تو از همین الان اعلام کرده اند که فردای سرنگونی جمهوری اسلامی مردم آنها را به دریا میریزند. اما ما قصد به دریا ریختن کسی را نداریم. آنچه ما از شما میخواهیم این است که شما بجای این دغل بازیهای آخوندی اول در نامه ای سرگشاده به مردم بگویید که در آن روزها چه گذشت و نقش شما و دیگر همپالکیهای شما چه بود.

آقای سروش ای داعشی سابق! رژیمی که تو و دوستان آنرا ساخته اید در حال فروپاشی است بهتر است که از همین الان خود را برای آن دادگاه مردمی آماده کنی.

نابود باد رژیم جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری!

اما آقای سروش! شما یکی از حامیان و دست اندرکاران این پروژه هولناک ضد بشری بودید. پروژه ای که قرار بود دانشگاهها را بوی عطر اسلام معطر کند. واقعا چه عطری که الان بعد از چهل سال بوی گند و کثافت آن همه دنیا را گرفته است. ای داعشی دیروز تو نمی توانی برای همیشه چهره خود را مخفی کنی و در خارج از کشور بعنوان فیلسوف اسلامی سخن پراکنی کنی. جای تاسف است که کتابخانه فرویو به شما اجازه داده است تا شما از داروین در ترازو اظهار فضل کنید ولی مطمئن باش که ترازوی دیگری هم در انتظار شماست. بزودی قربانیان و بازماندگان

همان. در آن شب وحشتناک مادر آذر مهرعلیان جنازه دخترزبایش را از سردخانه تحویل گرفت. قامت بلند و لبخند زیبای آذر هنوز جلوی چشمان من است. من مطمئن هستم که ده ها هزار نفر مثل من خاطرهای مشابه ای هنوز بخاطر میاورند. آنها که جسدهای عزیزشان را از رودخانه گرفتند. آنهایی که فرزندانشان به جوخه اعدام سپرده شدند. آنهایی که به سالها زندان محکوم شدند. آنهایی که یا خودشان و یا شاهد زخمی شدن دوستان و نزدیکانشان بودند و بالاخره آنهایی که خوش شانس بودند و تنها کار خود را از دست دادند و یا مجبور به ترک ایران شدند.

تهران مشخص شد. این دونفر که در جریان انفجار نارنجک در جریان سالروز انقلاب فرهنگی در مقابل دانشگاه بشدت مجروح شده بودند، در بیمارستان بر اثر جراحات وارده فوت کردند. ایندو که یک دختر و یک پسر میباشند آذر مهرعلیان ۲۱ ساله و ایرج ترابی ۲۲ ساله نام داشتند. تا آخر وقت امروز بر اساس گزارش خبرنگار کیهان از مرکز پزشکی قانونی، تعداد کشته شدگان حادثه دانشگاه تهران همین دونفر بوده است.

خبر به اندازه کافی روشن است. من در آن روز یکی از تظاهرات کنندگان بودم. پرتاب نارنجک همان و کشته شدن آذر

نزدیک به چهاردهه از آن تسویه حساب خونین جمهوری اسلامی با دانشجویان و قشر تحصیل کرده ما میگذرد اما تو گویی این فاجعه هولناک همین دیروز اتفاق افتاده است. اجازه دهید من امروز یک خبر از روزنامه کیهان بتاریخ چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ را برایتان بخوانم. در این خبر چنین آمده بود:

با مراجعه خانواده آنها به پزشک قانونی: هویت ۲ تن از کشته شدگان حادثه دانشگاه روشن شد.

سرویس شهری - هویت ۲ تن از مقتولان حادثه انفجار نارنجک دانشگاه تهران با مراجعه خانواده آنها به مرکز پزشکی قانونی



مقابل سفارتخانه ها، مساجد و مراکز فرهنگی حکومت اسلامی تجمع کنند و با در دست داشتن عکسهای مانده هژبری و شاپرک شجریزاده و دیگر زنان مبارز ایران، احکام سنگین و خشونت قانونی علیه زنان در ایران را محکوم کنند. با رقص و شادی مقابل این مراکز اسلامی، به ارزشهای زن ستیز اسلامی اعتراض کنند. در سمینارها، کنفرانسها و آکسیونها صدای زنان ایران باشند و با شعارهای، آزادی زن آزادی جامعه، نه به قوانین و فرهنگ اسلامی و حمایت از سکولاریسم و دختران خیابان انقلاب حاضر شوند. به این فاکتور مهم که بخشی از مبارزات سرنگونی طلبانه مردم ایران در خارج از مرزهای ایران نمایندگی می شود باید بیش از پیش توجه کرد و از همه فرصت های ممکن به بهترین شکل ممکن استفاده شود.

### از صفحه ۹ جمهوری اسلامی در مقابل زنان ایران یک حکومت گمراه کننده است

زنان می توانند بصورت جمعی بدون حجاب حاضر شوند و حمایت تجمع کنندگان را جلب کنند. حتی در فرصتهای مناسب با برداشتن حجابها تظاهرات بدون حجاب راه بیندازند.

گسترش پیامهای تصویری در حمایت از دختران خیابان انقلاب و اعتراض به حکم سنگین شاپرک شجری زاده که جلوی صف مبارزه با حجاب اجباری قدم برداشته، میتواند یکی از راههای اعلام حمایت و همبستگی با زنان مبارز ایران باشد. در همه مبارزات رمز موفقیت ما در همبستگی و اتحاد ما علیه ظلم و ستم است.

افرادی که در خارج از کشور قصد حمایت از زنان ایران دارند فرصت و امکان این را دارند که

ارزشهای حکومت اسلامی با رعایت موارد امنیتی یکی از تاثیرگذارترین این اقدامات است.

انتشار پیامهای تصویری حمایتی بصورت فردی و جمعی تحت این عنوان که "مانده هژبری تنها نیست"، "آزادی رقص شادی حق ماست" یکی از معمول ترین اقدامات است.

حجاب برگیران بصورت گسترده و جمعی یکی دیگر از اقداماتی است که در این دوره امکان و فرصت آن بخوبی وجود دارد. در حال حاضر شیب زمین مبارزه علیه وضعیت موجود، به نفع ماست، به نفع جنبش مبارزه علیه نابرابری، فقر، ستم و سرکوب است، لذا در اعتراضات سراسری و در تجمعات اعتراضی این روزها، در همه شهرها

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

[fb.com/wpiran/](https://fb.com/wpiran/)

## کشف منصور حکمت

### کن مک لاد

ترجمه: جمشید هادیان

این نوشته اولین بار در سال ۲۰۰۳ در نشریه تئوریک کمونیسم کارگری شماره ۵ بچاپ رسیده است.

پری اندرسون در مروری که بر کتاب حجیم و عظیم دو سن کروا [G. E. M. De Ste. Croix] اینام «مبارزه طبقاتی در یونان باستان» نوشته گوشزد میکند که اولین شگفتی این کتاب خود نام نویسنده آنست. فرض عمومی این بود که ستارگان آسمان تاریخ نویسی مارکسیستی در بریتانیا مانند هفت خواهران ثابت برج ثور بر همه آشکارند. نامهایی مانند هیل Hill، هابسبام Hobsbawm، تامپسون، و سایرین را همه شنیده بودند، اما دو سن کروا دیگر از کدام بقول معروف سوراخ پیدا شده بود؟

من این اواخر دچار شگفتی مشابهی شدم. فکر می کردم اسامی لااقل همه مارکسیست های بزرگ را می دانم. اشتباه می کردم. آگهی یک جلسه عمومی که قرار بود کسی از حزب کمونیست کارگری عراق سخنران آن باشد مرا به سایت این حزب و بعد سایت حزب خواهر بزرگترش، حزب کمونیست کارگری ایران، و از آنجا به مجموعه آثار بنیانگذار این حزب، منصور حکمت فقید، رهنمون شد. مثل این بود که آدم کشف کند هم عصر ناشناسی بنام رزا لوکزامبورگ داشته است.

نمی توانم بگویم که با جریان که خود را کمونیسم کارگری می نامد بکلی ناآشنا بودم. در سالهای ۱۹۸۰ که در لندن زندگی می کردم کسانی از ایران و عراق را دیده بودم که با بحث هائی کاملاً متفاوت با بحث های اکثر انقلابیون تبعیدی در تظاهرات یا جلسات دخیل می شدند. اینها بجای متقاضی کمک بودن تلاش می کردند اغتشاشات فکری چپ را برطرف

شکل دادن به شعور عمومی طبقاتی نقش بازی کند.»

من با خواندن همه آنچه که از آثار او به انگلیسی ترجمه شده ادعا می کنم که منصور حکمت متفکری بود که واقعا از عهده چالش هائی که خود در اینجا در میان نهاده برآمده است. برای او، همچنانکه برای مارکس، سوسیالیسم نه یک ایده آل که دنیا می تواند اتخاذش بکند یا نکند، بلکه بروز و بیان آگاه مقاومت خودجوش طبقه مزدبگیر است در مقابل نظام مزدبگیری و دست ردی که به سینه این نظام می زند. از این دیدگاه، منصور حکمت می تواند همه عالم - از شرق و غرب و شمال و جنوب - را نقد کند، و عملی بمنظور تغییر آن پیشنهاد کند. می گوید آلترناتیو سوسیالیسم «چیزی جز توحش پیچیده در زورق تکنولوژی نیست.»

منصور حکمت پیش از (۱) و از لحاظ محتوائی باید گفت بسیار پیش از (۲) سقوط شرق خطوط عمده یک نقد بدیع و رادیکال سوسیالیستی از تجربه شوروی را ارائه داد - نقدی که آوانسی به تز مد روز «سو استفاده از لنین» در توضیح ماهیت نظام اتحاد شوروی نمی داد:

«هللهه برای بزیر کشیدن شدن مجسمه های لنین از سر دشمنی با بلوک سرمایه داری دولتی وامانده و شکست خورده در شرق نیست. لنین را بعنوان سمبل جسارت طبقاتی کارگر به ساحت مقدس سرمایه، به عنوان سمبل تلاش توده انسانهای کارکن و فرودست برای تغییر جهان، بزیر میکشند.»

می گوید بحث کردن با جریان ناسیونالیستی مانند استالینیزم (و استالینیزم همیشه و همه جا یک جریان ناسیونالیستی است) درباره انحراف از مارکس، همانقدر بیهوده و در نهایت کم عقلی است که کسی با نژاد پرستان بر سر برداشت نادرستان از داروین جدل کند. تشخیص اتحاد شوروی و بقیه بعنوان سرمایه داری دولتی، نتیجه ایست که براحتم از منطق تحلیل

او زاده می شود.

«امروز مدافعان شوروی برای سوسیالیستی قلمداد کردن این کشور به فقدان مالکیت شخصی بورژوازی بر وسائل تولید در این کشور و غلبه مالکیت دولتی انگشت میگذارند. بخش اعظم منتقدین این تبیین از سوسیالیسم را میپذیرند و هم و غم خود را صرف این میکنند که نشان بدهند "دولت شوروی پرولتری نیست" و لذا مالکیت دولتی در این مورد معین معادل سوسیالیسم نیست. تقلیل سوسیالیسم به اقتصاد دولتی به عینه یک تحریف بورژوازی در تئوری مارکسیسم است. این آن تبیینی است که بورژوازی در سطح بین المللی رواج میدهد و متاسفانه تا امروز مقاومت جدی نظری ای توسط مارکسیست ها در مقابل این تحریف بنیادی در افق اقتصادی طبقه کارگر صورت نگرفته است.»

«محور چنین تبیین بورژوایی از سوسیالیسم، ارزیابی ای بورژوایی از سرمایه داری است. در این دیدگاه سرمایه داری نه به اعتبار کار و سرمایه، بلکه به اعتبار رابطه سرمایه ها با هم شناخته میشود. این دیدگاه سرمایه دار منفرد و لذا دیدگاه بورژوازی به سرمایه داری است. رقابت و آناشی تولید، اساس و بنیاد سرمایه داری فرض میشود. و لذا در مقابل آن، بعنوان آنتی تز سرمایه داری، مالکیت دولتی و برنامه ریزی قرار داده میشود. تمام جریاناتی که سرمایه داری را بر اساس وجود رقابت درک میکنند، سوسیالیسم را به مالکیت دولتی تنزل میدهند. این، یک قاعده عمومی است. برای مارکس، و برای ما بعنوان مارکسیست هائی که اساس نقد مارکس بر اقتصاد سیاسی سرمایه داری را دریافته اند، درک این نکته ساده است که سرمایه در قلمرو تولید اجتماعی و به اعتبار رابطه اش با کار مزدی تعریف میشود.»

«وجود کار مزدی، کالا بودن نیروی کار و سازمانیابی تولید اجتماعی بر مبنای کارمزدی،

برای اثبات سرمایه داری بودن اقتصاد شوروی کافی است.»

بنابراین، به نظر منصور حکمت، اینکه این فراماسیون اجتماعی نهایتا در مقابل بازار زانو زد، پایان سوسیالیسم نبود. «این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرخه بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود.»

در «تاریخ شکست نخوردگان» کسانی را که سقوط شوروی را شیپور ترك میدان مبارزه برای یک دنیای بهتر گرفتند شلاق کش می کند:

«یاس نشان خرد شد، رها کردن آرمان های والای بشری واقع بینی و درایت خوانده شد. ناگهان معلوم شد که هر ژورنالیست تازه استخدام و هر استادیار تازه به کرسی رسیده و هر سرهنگ بازنشسته پاسخ غولهای فکری جهان مدرن، از ولتر و روسو تا مارکس و لنین، را دارد و کل معضل آزادیخواهی و برابری طلبی و تلاشهای صدها میلیون انسان در چند قرن اخیر، جز اتلاف وقت بیحاصلی در مسیر رسیدن به عمارت با شکوه "پایان تاریخ" نبوده است و باید هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود.»

«گفته اند که تاریخ را همواره فاتحین می نویسند. اما باید افزود که تاریخی که شکست خوردگان می نویسند به مراتب دروغین تر و مسموم تر است. چرا که این دومی جز همان اولی در لباس تعزیه و نوحه و تسلیم و خودفریبی نیست.»

منصور حکمت آزادی را در مقابل ایده آل لغزنده «دموکراسی» قرار می دهد. نقدش بر «مذهب»، همچنانکه نقدش بر آنها که امید های ترقیخواهانه به آن گره می زنند، همه جانبه و بیرحمانه است.

«صد سال قبل بشریت آوانگارد به اینکه رهایی بشر بدست کشیشان و

از راه تعدیل مذهب و عروج روایات و تعابیر جدید از درون کلیسا بدست آید می‌خندید. امروز محققان و اندیشمندان حرفه‌ای می‌توانند نسخه‌هایی پیدا کنند که زن ایرانی فعلا می‌تواند سکولاریسم را با اضافه شدن رنگ سرمه‌ای به رنگهای های مجاز دولتی برای حجاب معنی کند.»

منصور حکمت فراخوان - بحث برانگیز - دفاع از کودکان در مقابل «تحمیل حجاب» را داد:

«بحث آزادی انتخاب حجاب اسلامی، مربوط به بزرگسالان است. مربوط به کسانی است که لااقل از نظر صوری و از نظر قانون حق انتخاب دارند و مسئولیت عواقب انتخاب آزاد خود را بر عهده می‌گیرند (هرچند حق انتخاب زن بزرگسالی هم که چاقو و شیشه اسید اسلامی را می‌شناسد صوری تر از صوری است). بحث آزادی پوشش هیچ چیز راجع به حقوق کودک و دختران خردسال و نوجوانی که در یک خانواده اسلامی تحت تکفل پدر و مادر خود زندگی می‌کنند نمی‌گوید.» (...)

«کودک مذهب و سنت و تعصب خاص ندارد. به هیچ فرقه مذهبی ای نپیوسته است. انسانی است جدید، که به حکم تصادف و مستقل از اراده خود در خانواده‌ای با مذهب و سنت و تعصبات خاص پا به حیات گذاشته است. جامعه موظف است تاثیرات منفی این بخت آزمایی و قرعه کشی کور را خنثی کند. جامعه موظف است شرایط یکسان و منصفانه‌ای برای زندگی همه کودکان و رشد و شکوفایی آنها و شرکت فعال آنها در حیات اجتماعی فراهم کند. کسی که بخواهد راه زندگی اجتماعی متعارف یک کودک را کور کند، درست مانند کسی که بخواهد بنا به فرهنگ و مذهب و عقده‌های شخصی و گروهی خودش جسم کودک را مورد تعرض قرار بدهد، باید با سد محکم قانون و عکس العمل جدی جامعه روبرو بشود. هیچ

دختر نه ساله ای شوهر کردن، ختنه (مثله) شدن، آشپز و خدمتکار افراد ذکور فامیل شدن، از ورزش و تحصیل و بازی محروم شدن را "انتخاب" نمی‌کند. کودک در خانواده و در جامعه مطابق رسم و رسوم و مقرراتی که وضع شده است بار می‌آید و این افکار و رسم و رسوم را بطور خودبخودی بعنوان روش متعارف زندگی می‌پذیرد. صحبت از انتخاب حجاب اسلامی توسط خود کودکان مسخره تر از مسخره است.»

مقاله چهار بخشی «دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر» ش بعنوان میثاق نهائی او برای همیشه زنده خواهد ماند:

«رسانه‌ها سیمای ایدئولوژیکی و معنوی واقعی جهان را منعکس نمی‌کنند. روایت خود را می‌گویند، روایت حاکم، روایت طبقه حاکم. روایتی که بدردهشان می‌خورد. میلیتاریسم، تروریسم، راسیسم، قوم پرستی، فئاتیسم مذهبی و سودپرستی، در صدر اخبارند، اما در عمق ذهن اکثریت مردم دوران ما جای محکمی ندارند. یک نگاه ساده به دنیا، نشان می‌دهد که توده‌های وسیع مردم جهان از دولتها و رسانه‌ها چپ ترند، ناعدوست ترند، صلح دوست ترند، مساوات طلب ترند، آزاد ترند، آزادیخواه ترند. مردم در دو سوی این کشمکش ننگین، تمایلی به سواری دادن به سران بورژوازی ندارند. هیات حاکمه ششول بند آمریکا فوراً متوجه میشود که علیرغم یکی از عظیم ترین جنایات تروریستی، علیرغم نمایش زنده و لحظه به لحظه از تپش افتادن یکباره قلب هزاران انسان، علیرغم ماتم و خشمی که به هرکس که وجدانش را به منفعتی نفروخته باشد دست می‌دهد، باز همین جامعه غربی، همین مردم هرروز مغز شویی شده، همین‌ها که از بام تا شام با راسیسم و بیگانه‌گری طبقه حاکمه "آموزش" می‌بینند، خواهان احتیاط، انصاف، عدالت و عکس‌العمل سنجیده میشوند.

مردم خاورمیانه که چه در دنیای کثیف درون جرمه‌های خامنه‌ای‌ها و خاتمی‌ها و ملامحمد عمرها و شیوخ ریز و درشت جنبش اسلامی، و چه در استودیوهای دولوکس سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی امت متعصب مسلمان و اعضای "تمدن اسلامی" تصویر میشوند، دوشادوش مردم آمریکا ماتم زده میشوند و به اعتراض بلند میشوند. فهمیدن اینکه اکثریت مردم خاورمیانه، از اسلام سیاسی متنفرند، فهمیدن اینکه بخش بسیار وسیعی از مردم اروپای غربی و آمریکا از دست اجحافات دولت اسرائیل به تنگ آمده‌اند و با مردم محروم فلسطین سمپاتی حس می‌کنند، فهمیدن اینکه اکثریت این مردم خواهان لغو تحریم اقتصادی عراقند و قادرند خود را جای پدر و مادرهای دلسوخته عراقی بگذارند که کودکانشان را بیدارویی بکام مرگ می‌برد، فهمیدن اینکه این توده وسیع مردم با شرف و با وجدان جهان در جنگ بوش و بن لادن، دوستان قدیمی و رقبای امروزی، با هیچیک نیستند، هوش زیادی نمی‌خواهد. این بشریت متمدن زیر آوار پروپاگاندا و مغزشویی و ارعاب در غرب و شرق به سکوت کشیده شده، اما بروشنی میشود دید که این مزخرفات را نپذیرفته است. این یک نیروی عظیم است. میتواند به میدان بیاید. بخاطر آینده بشریت، باید به میدان بیاید.»

منصور حکمت در ادامه تعابیر رایج از علل «جنگ تروریست‌ها» را زیر سوال می‌برد و به نقد می‌کشد (راهنمایی: آمریکا برای دفاع از تمدن، گسترش دموکراسی یا بچنگ آوردن نفت نمی‌جنگد. اسلام‌ست‌ها ضد امپریالیسم نمی‌جنگند). او ناکامی‌های «آمریکا و غرب» در «جنگ با تروریسم» و «ضعف‌های جنبش» بسیار مثبت - ضد جنگ را از پیش توصیف می‌کند، و در این کار ارائه یک استراتژی برای «آردوگاه بشریت» که بتواند این آردوگاه را به پیروزی، و به تبع آن به صلح، برساند، را مد نظر دارد.

وسعت تئوریک آثار او خارق‌العاده است. اما، همانطور که درباره مارکس می‌گویند، «عالم بودن توصیف نصف وجودش هم نیست.» او «از همه بالاتر یک انقلابی بود.» با تمام انسان دوستیش از «نقد سلاح» \* با پس‌نکشید. با دو رژیم متوالی به مبارزه برخاست که اگر نه وسعت رذالت، باری عمیق رذالتشان با همه آنچه در تاریخ خونین دوران جدید جهان دیده شده برابری می‌کند. منصور حکمت بخاطر این مبارزه شایسته احترام هر انسان شایسته احترامی است. حتی کسانی که

با ایده‌آلهای او مخالفند می‌توانند در نوشته‌هایش موارد اتفاق نظر زیادی با او پیدا کنند، و یا موارد زیادی پیدا کنند که بتوانند حول آن بحث‌های سازنده‌ای ارائه دهند.

\* «روشن است که سلاح نقد را نمی‌توان جانشین نقد سلاح کرد» (مارکس، «نقد فلسفه حقوق هگل - مقدمه») ۳ دسامبر ۲۰۰۳

ترجمه: جمشید هادیان ۲۵ دسامبر ۲۰۰۳ \*\*\*\*\*

### کن مک لاد (Ken McLeod) کیست؟ \*

کن مک لاد در دوم اوت ۱۹۵۴ در استورنوی (Stornoway) در جزیره لوئیس (Isle of Lewis) در اسکاتلند دنیا آمد. در سال ۱۹۸۱ با همسرش کارول ازدواج کرد، و دارای دو فرزند بنام شارون و مایکل است. پس از پایان تحصیلات در دانشگاه گلاسگو در رشته جانورشناسی، بعنوان برنامه‌نویس کامپیوتر در جاهای مختلف کار کرد. و در این ضمن توانست تز فوق لیسانس خود را در رشته مکانیک زیستی (biomechanics) به پایان برساند. این روزها کارش همانست که از یک نویسنده انتظار می‌رود: تحقیق می‌کند، می‌نویسد، در کنوانسیون‌ها شرکت می‌کند، پیرامون کارهایش در جاهای مختلف جلسات بحث می‌گذارد، و ...

تجربه سیاسی او از سالهای دانشجوییش و با عضویت در «گروه مارکسیست بین‌المللی (International Marxist Group=IMG)، بخشی از انترناسیونال چهار، در سالهای هفتاد و سپس عضویت در «حزب کمونیست بریتانیای بزرگ (Communist Party of Great Britain=CPGB) در سالهای هشتاد شروع می‌شود. دانش مک لاد از چپ به او امکان می‌دهد در بحث‌های سیاسی در اینترنت براحتی از مواضع خود دفاع کند.

آدرس تماس: ken@libertaria.demon.co.uk

\* برگرفته از مطلب «من کیستم» در سایت کن مک لاد: <http://kenmacleod.blogspot.com/>

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود